

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

محرم الحرام ۱۴۴۲

مناسبت شهادت امام زین العابدین علیه السلام

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ- سلام بر تو ای زینت عابدان، سلام بر تو ای زینت شب زنده داران» «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ - سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران، سلام بر تو ای ولی مسلمانان» «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ - سلام بر تو ای نور دیده عارفان، سلام بر تو»

تدبر در کلمات قصار امام سجاد علیه السلام

امام سید الساجدین فرمودند: «يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَا تَزَالُ بَخِيرَ مَا دَامَ لَكَ وَاعْظُ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا- ای فرزند آدم، تا آن زمانی که در درون خود واعظ و نصیحت کننده ای دلسوز داشته باشی، و در تمام امور بررسی و محاسبه کارهایت را اهمیت دهی، و در تمام حالات - از عذاب الهی - ترس و خوف داشته باشی؛ در خیر و سعادت خواهی بود.» (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۶۴، ح ۵)

موضوع تدبر:

چگونه واعظی و نصیحت کننده دلسوزی در درون خود داشته باشیم؟

پاسخ:

برای پاسخ این سؤال نخست باید بدانیم در وجود انسان چه خبر است. خداوند به انسان طبعی حیوانی داده که تنها لذات خود را می‌طلبد و حد و حصری نمی‌شناسد و به آنچه از نظر عقل و ایمان قبیح است امر می‌کند:

«وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (یوسف/۵۲)

یعنی: «حضرت یوسف صریحا اعلام می‌کند که من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم که نفس سرکش بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه که پروردگارم رحم کند».

دیگر اینکه نفس حیوانی در دست شیطان از ابزار اصلی فریب و وسوسه شمرده می‌شود:

«وَمِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ»-

پناه می‌برم به پروردگار از شر وسوسه‌گر پنهان‌کار که در درون سینه انسان وسوسه می‌کند خواه جن باشد یا از انسان» (ناس/۴)

در مقابل اینها فطرت، وجدان و عقل و ایمان را قرار داده است:

«... ولكن الله حبب اليكم الايمان و زيننه في قلوبكم و كره اليكم الكفر و الفسوق و العصيان اولئك هم الراشدون- ولی خداوند ايمان را برای شما محبوب ساخت و آن را در دلهايتان بياراست و کفر و نافرمانی و گناه را منفور گردانید، این چنین افرادی، هدايت يافتگان می‌باشند.» (حجرات/۷)

«وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ..- و سوگند به نفس لوامه و وجدان بيدار و ملامت‌گر» (قيامت/۱)

«يا عَلِيُّ الْعَقْلَ مَا اكْتَسَبْتَ بِهَ الْجَنَّةَ وَ طُلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ - يا علی عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند رحمان به دست می‌آید.» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۹)

«أَعْقَلَ النَّاسَ أَبَعْدَهُمْ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ - عاقل ترين مردم کسی است که از همه پستی ها دورتر باشد» (تصنيف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۷)

در چنین معرکه‌ای است که امام سجاد ع فرمودند: «سعادتي و خوشبختی انسان در حفظ و کنترل اعضاء و جوارح خود از هرگونه کار زشت و خلاف است. - أَلْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانُهُ الْإِنْسَانَ نَفْسَهُ»؛ (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۶، ح ۳)

و خداوند می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى- و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا (و تمایلات نفسانی) باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.» (نازعات/۴۰)

نتیجه عملی بحث

در چنین شرایطی است که اگر این عوامل را با همه وجود خود در درون خود احساس کرد، خود را در خطر هلاکت می‌بیند و انسانی که خود را در خطر دید و نگران شد با خود حرف می‌زند و حساب خود را بررسی می‌کند. و از نگرانی شدیدی که دارد با ترس و خوف به خدا پناه می‌برد. این واعظ درون در چنین شرایطی است که صدایش شنیده می‌شود. و نصیحت‌ها و دلسوزی‌هایش انسان را مستعد دریافت هدایت می‌کند.

امام جواد علیه السلام فرمود: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ، وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ - مؤمن نیازمند سه خصلت است: توفیق از سوی خداوند، واعظی از درون خود، پذیرش نسبت به کسی که او را پند می‌دهد.» (تحف العقول ص ۴۵۷)

مردی به نام «وابصة» خدمت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده گفت: ای رسول خدا سؤالی دارم حضرت فرمود: من بگویم سؤال تو چیست؟ گفت: بفرمائید. فرمود: آمده‌ای از معنای برّ و تقوا و هم از معنای اثم و عدوان سؤال کنی. گفت: آری می‌خواهم معانی این‌ها را بدانم. در متن روایت این‌گونه وارد است که پیامبر انگشتان خود را بر سینه وابصة زده سه مرتبه فرمود: یا وابصة «إِسْتَفْتِ قَلْبَكَ، إِسْتَفْتِ قَلْبَكَ، إِسْتَفْتِ قَلْبَكَ» یعنی سه مرتبه فرمود: این سؤال و استفتاء را از قلب خود بکن یعنی خدا این شناخت را به صورت الهام به قلب هر بشری قرار داده است. «(محجة البيضاء، ج ۱، ص ۵۸)

حاصل اینکه اگر واعظ درون انسان خاموش بود و انسان در مقابل خوبی‌ها و بدی‌هایی که از او سر می‌زند خود را به بی‌خیالی زد، قلبش سخت شده از صورت انسانی خارج می‌شود. آن وقت است که مانند حیوانات درنده و پست‌تر از آنها اما در چهره انسان، می‌درد و همه چیز را نادیده می‌گیرد.

روضة: یاد پیکر بی کفن پدر

روزي امام سجاد عليه السلام، تو بازار مدينه شنيد، يه مردی داره میگه « اِرْحَمُونِي اَنَا رَجُلٌ غَرِيبٌ »

به من رحم کنید من غریبم. حضرت فرمودند ای مرد آگه امر الهی باشه همین جا از دنیا بری آیا جنازه تو را دفن می کنن یا نه؟ با تعجب عرضه داشت، یابن رسول الله، من مسلمونم، این مردم هم امت جد شما هستن، چطور منو دفن نمی کنند!!

ناله ی امام سجاد بلند شد، فرمود : و الاسفاه عليك يا أبتاه بدن مطهر پدرم ابی عبدالله

سه شبانه روز.... رو خاک گرم کربلا.... انگار یادشون رفته بود این بدن..... بدن پسر دختر پیغمبر خداست.

از گلستان لاله های پرپر، آید به یاد	از نیستان داغ های خاظم، آید به یاد
سالها از ماجرای کربلا، بگذشت و باز	هر نظر، آن صحنه حُزن آورم، آید به یاد
از خاک هم مضایقه کردند کوفیان	در آفتاب ماند بدن شاه کربلا

صلی الله علیکم یا سادتی یا اهل بیت النبوه